

## واکاوی ترجمه ﴿قَسُورَةَ﴾ در آیه ﴿فَرَّتْ مِنْ قَسُورَةَ﴾ در ترجمه‌های فارسی و لاتین بر اساس مطالعه تاریخی و تبارشناسی

محمدعلی همتی<sup>۱\*</sup>، وفادار کشاورزی<sup>۲</sup>

۱- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

۲- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۴/۴

پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۱

### چکیده

واژه ﴿قَسُورَةَ﴾ در آیه ﴿فَرَّتْ مِنْ قَسُورَةَ﴾ از واژگانی است که مترجمان، مخصوصاً مترجمان فارسی زبان معنای واحدی از آن ارائه نداده‌اند. بر خلاف ترجمه‌های فارسی، مترجمان لاتین تقریباً واژه را به صورت یکسانی ترجمه کرده‌اند، اما غالباً با علامت سؤال و گاهی تعجب که حکایت از تردید مترجم در معنای واژه دارد همراه است. علاوه بر مترجمان، مفسران نیز در معنای این واژه دیدگاه‌های مختلفی بیان کرده‌اند، به طوری که در تفاسیر، بالغ بر هفت معنا برای این واژه ذکر شده است. روایات فراوانی نیز در منابع تفسیری فریقین ناظر بر معنای قسوره آمده است. از این رو مفسران بر اساس روایات، هر یک تفسیری جدا از دیگری برای خود انتخاب کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد تاریخی و زبان‌شناسی و با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف دستیابی به علل و منشا اختلاف معانی این واژه در فرایند زمان و ارائه معنایی نزدیک به صواب صورت پذیرفته است. بررسی منابع لغت و سیر تاریخی تفاسیر و تحلیل روایات حامل معانی این واژه نشان می‌دهد که هم واژه پژوهان و هم مفسران در معنای واژه، نظر قطعی نداشته و در طول زمان برخی معانی بر معانی دیگر غلبه یافته و رفته رفته تثبیت گردیده و بعدها در ترجمه‌ها متبلور گردیده است. بررسی تبارشناسی واژه در زبان‌های سامی و شاخه سریانی، نشان می‌دهد این واژه در این زبان به معنای الاغ بی رمق است که می‌توان از این معنا در معناشناسی «قسوره» در آیه مورد بحث استفاده کرد.

واژگان کلیدی: قسوره، قوسرا، تحلیل ادبی، تبارشناسی، زبان سریانی، ترجمه

Email: mohammadalihemati@gmail.com

\*نویسنده مسئول مقاله:

## ۱- مقدمه

یکی از آیاتی که مترجمان و مفسران در معنا و تفسیر آن اختلاف نظر داشته‌اند آیه ۵۱ سوره مدثر است. خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾، این آیه در سیاق آیاتی قرار دارد که به روی گردانی معاندان و لجوجانی اشاره می‌کند که از پند و اندرز قرآن روی گردان هستند. خداوند می‌فرماید: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ \* كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ \* فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ (مدثر / ۵۱-۴۹) (چرا آن‌ها از تذکر روی گردانند؟! \* گویی خرابی راننده‌اند \* که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!).

در ترجمه‌ها و تفاسیر، معانی متعددی برای این واژه ارائه گردیده‌است. احتمالاً تمامی این معانی نمی‌توانند صحیح باشند. برای خوانندگان در مواجهه با این معانی سؤالات گوناگونی پیش می‌آید. در ادامه سؤالات مطرح می‌گردد و تلاش می‌شود پاسخی درخور به آن‌ها داده‌شود. روایات متعددی نیز که حامل این معانی متفاوت است در منابع روایی و تفسیری فریقین نقل شده‌است که بررسی سندی و دلالتی آن‌ها ضرورت دارد.

در پژوهش پیش رو به منظور یافتن علل اختلاف معانی «قَسْوَرَةٍ» ابتدا تحلیل ادبی واژه صورت می‌پذیرد، سپس سیر تاریخی معنای واژه در تفاسیر از قرن دوم تا قرن هفتم کنکاش می‌شود. در اثنای بررسی تفاسیر، روایات فراوانی که حامل معانی متعدد «قَسْوَرَةٍ» است مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. بعد از این مرحله ترجمه‌های فارسی و لاتین از آیه ارائه و در نهایت به ترجمه پیشنهادی ختم می‌گردد.

درباره پیشینه بحث علاوه بر مباحثی که مفسران ذیل آیه ۵۱ سوره مدثر، ارائه داده‌اند به طور مجزا نیز برخی اقدام به پژوهش در این زمینه کرده‌اند. از جمله مقاله «چند اصلاح پیشنهادی دیگر در متن قرآن»، از جیمز بلمی که در مجله آمریکایی مطالعات شرقی، ش ۴، سال ۱۹۹۳ منتشر گردیده است. نویسنده معتقد است که قسوره از پتورای سریانی، به معنای «پلنگ یا پوما» به دست آمده است که ریشه اصلی آن نیز به یونانی باز می‌گردد. معنای انتخابی بلمی تفاوت چندانی در مدلول آیه با معنای رایج فعلی ندارد.

همچنین مقاله معناشناسی تاریخی ادبی واژه «قَسُورَة» از مجتبی نوروزی و محمد مکفی رودی در مجله مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم. نویسندگان در این مقاله معتقدند که این واژه در عربی، دارای ریشه از «قسر» بوده و از آن فعل و شبه فعل ساخته شده و با استناد به کاربرد این واژه در منابع کهن و اشعار جاهلیت فرضیه معرب بودن آن را از زبان فارسی و یا حبشی رد می‌کنند. معنای انتخابی نویسندگان این مقاله از میان دیدگاه‌های مختلف لغت‌پژوهان و مفسران، شیر (حیوان درنده) یا شکارچیان تیرانداز است. البته این مقاله تا این تاریخ چاپ نشده و تنها چکیده آن بر روی شبکه اینترنت قابل مشاهده است.

علاوه بر موارد فوق زکریا محمد، در مقاله «كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنَفَرَةٌ، فَرَّتْ مِنْ قَسُورَةٍ» در صحیفه الأخبار، السبیت، ۴ آب ۲۰۱۸ مدعی است که تشویش حاصل در ترجمه و تفسیر این دو آیه، معلول قرائت اشتباه و تصحیف فعل «فَرَّتْ» است که به تبع آن در معنای قسوره هم ابهام به وجود آورده است. به عقیده وی «فَرَّتْ» باید به ضم فاء «فَرَّتْ» قرائت شود نه به فتح «فَرَّتْ». در این صورت به معنای فرار نیست بلکه با استناد به فرهنگ‌های لغت به معنی باز کردن دهان چهارپا برای دانستن سن آن است. بنابراین معنای آیه به این صورت است: گویی ایشان درازگوشانی رمیده‌اند؛ زیرا دهانشان به زور و اجبار برای دانستن سنشان از جانب مردی نیرومند (قَسُورَة) باز می‌شود.

مقاله حاضر با کارهای فوق از چند جهت متمایز است؛ یکی از این جهت که سیر تاریخی این واژه در منابع لغوی و همچنین در سه عصر جاهلی، مخضرمین و اسلام بررسی گردیده و دیگر این که سیر تاریخی واژه در تفاسیر قرن دوم تا قرن هفتم نیز مورد مذاقه واقع شده است و نهایتاً بررسی آن در زبان‌های سامی که منجر به معنای جدید گردیده است.

## ۲- سؤالات پژوهش

مهمترین سؤال این پژوهش عبارت است از:

علت اختلاف مترجمین در ترجمه واژه «قسوره» چیست؟ پاسخ این سؤال منوط به پاسخ سؤالات ذیل است:

دیدگاه واژه‌پژوهان در معنای «قسوره» چیست؟

با توجه به معانی متعدد واژه‌پژوهان از واژه آیا می‌توان به قدر متیقن رسید؟

آیا این واژه یا مشتقات آن در ادبیات جاهلی وجود داشته است؟ اگر پاسخ مثبت است

آیا بین معنای قرآنی واژه با کاربرد جاهلی آن قرابت و مشابهت وجود دارد؟

با توجه به این که در روایات اسلامی برای «قسوره» معانی متعددی ذکر شده است، کدام

روایت مرجح است؟

مفسران قرآن در ادوار مختلف در معنای «قسوره» بیشتر تحت تاثیر ادبیات جاهلی،

دیدگاه واژه‌پژوهان یا روایات قرار گرفته‌اند؟

آیا این واژه در دیگر زبان‌های سامی وجود دارد؟ اگر این چنین است می‌تواند در

معناشناسی واژه به کمک آید؟

### ۳- تحلیل ادبی «قسوره»

#### ۳-۱- قسوره در لغت

لغت‌پژوهان در معنای این واژه نظر واحدی نداشته‌اند و به همین جهت شاهد دیدگاه‌های متعددی در منابع لغوی هستیم.

ابن فارس برای «ق س ر» یک اصل قائل است و آن را به معنای قهر و غلبه دانسته و

قسوره را شیر معنا کرده به خاطر قدرت و غلبه‌اش (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۵: ۸۸). راغب نیز

همین معنا را برای «ق س ر» آورده، اما برای قسوره سه معنای شیر، تیرانداز و شکارچی با

لفظ قیل آورده است (راغب، ۱۴۱۲: ۶۷۰). به نظر این معانی برای قسوره نزد راغب قطعیت

نداشته که با لفظ «قیل» آورده است.

ابن درید «گرفتن» را به معنای «ق س ر» اضافه کرده و آن را گرفتن با غلبه و آزار معنا

کرده است (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۲: ۷۱۸). ابن درید قسوره را نیاورده است.

ابن منظور «ق س ر» را قهر با اکراه معنا کرده و به سخن امام علی استناد کرده که فرمود: «مَرْبُوبٌ أَقْتِسَارًا» به معنای قهر و غلبه (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۹۲). ازهری اختلاف نظرهایی در معنای این واژه آورده است؛ او از ابراهیم لیث ازدی، لغوی و کاتب، نقل کرده که وی ریشه قسر را به معنای غلبه با اجبار و قسور را تیرانداز و صیاد دانسته و این شعر عجاج مخضرم را نیز در تایید معنای خود آورده است: وَشَرَّشَرٍ وَقَسْوَرٍ نَضْرِيْ؛ اما بلافاصله از ابومنصور نقل می‌کند که لیث در معنای قسور اشتباه کرده زیرا قسور نوعی گیاه صحرايي است همانگونه که واژه‌ی کناری آن یعنی شرشر نام گیاهی صحرايي است. ازهری به نقل از مفسران معانی تیراندازان، شیر، صوت خفی انسان‌ها، شجاع و تاریکی اول شب را برای این واژه آورده است (ازهری، ۲۰۰۱، ج ۸: ۳۰۵).

مصطفوی این ماده را به معنای مقهور کردن چیزی دانسته تا در روند کارش محدود گردد. وی تیرانداز، صائد، مرد قوی و شجاع، و شتر قوی جثه را از مصادیق آن می‌داند و مصداق کاملش را شیر ذکر کرده به خاطر تسلط و غلبه‌اش بر تمامی حیوانات، به همین خاطر لفظ به شیر منصرف شده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۲۵۵).

مصطفوی تفسیر قسوره را به تیر انداز و صائد و مرد شجاع درست نمی‌داند از این جهت که الاغ با فطرتش از شیر فرار می‌کند نه از تیرانداز یا صائد یا مرد شجاع (همان). این سخن مصطفوی قابل توجه و به نوعی درست است اما یک مشکل باقی می‌ماند و آن این است که این معانی برای قسوره در منابع اولیه و روایات آمده است و تعداد روایات نیز قابل توجه است.

حسن جبل نیز معنای اصلی ماده «ق س ر» را شدت که مستلزم قهر و غلبه است، می‌داند. از نظر وی معنای تیرانداز برای قسوره ترجیح دارد هر چند معنای شیر را برای این واژه از جهت نیروی زایدی که در ماده‌ی آن است نیز پذیرفته است (جبل، ۲۰۱۰، ج ۴: ۱۷۷۹).

به طوری که ملاحظه گردید دیدگاه واژه‌پژوهان درباره ماده «ق س ر» مختلف بود، ولی «قهر و غلبه» که هسته معنایی ریشه است، بینشان مشترک است و هر کدام چیزی به آن

اضافه کرده‌اند. به نوعی که هر کدام متعلق خاصی برایش در نظر گرفته بود. در عین حال لغت‌شناسان در معنای قسوره اختلاف نظر دارند.

شاید بتوان گفت در بین لغت‌شناسان مصطفوی از همه بهتر توضیح داده‌است، مخصوصاً در مصداق‌شناسی که شیر را مصداق کامل «قَسْوَرَة» دانسته‌است. این نشان می‌دهد که ایشان به اختلاف نظرها در این باره توجه داشته و احتمالاً برایش مسجل گردیده که این واژه برای معنای شیر وضع نشده‌است و گرنه متوسل به این توضیحات نمی‌شد.

بعد از بررسی این ماده در منابع لغوی، مراجعه به ادبیات جاهلی، اشعار مخضرمین و شعرای صدر اسلام می‌تواند در معناشناسی «قَسْوَرَة» کمک‌کننده باشد.

### ۳-۲- قسوره در ادبیات جاهلی

این واژه در ادبیات جاهلی به دو صورت آمده‌است؛ یکی به صورت «قسوری» در شعر طرفه بن عبد که می‌گوید:

وَمَا خِلْتُ سَلْمَى قَبْلَهَا ذَاتَ رُجْلَةٍ إِذَا قَسَوْرِي اللَّيْلِ جِيئَتْ سَرَابِلُهُ

(طرفه، ۱۴۲۳: ۶۴)

یعنی (آنگاه که شب ردای ظلمت پوشید هرگز گمان نمی‌کردم که سلمی توانایی راه پیمودن با من داشته باشد). در این بیت قسوری به معنای شدت و غلبه تاریکی شب است.

صورت دیگر «قساور» است که در شعر لبید این چنین آمده‌است.

إِذَا مَا هَتَفْنَا هَتْفَةً فِي نَدْيِنَا أَتَانَا الرِّجَالُ الصَّائِدُونَ الْقَسَاوِرُ

(عامری، ۱۹۹۹: ۲۲۶)

یعنی (اگر در انجمن خویش یارانمان را بخوانیم، مردان شکارچی نیرومند به سمت ما می‌آیند). در این بیت «قساور» به معنای نیرومند است.

شواهد فوق حکایت از این دارند که این واژه در ادبیات جاهلی کاربرد داشته، اما نه به معنای شیر بلکه در معنای غالب و نیرومند.

### ۳-۳- قسوره در شعر مخضرمین

در اشعار مخضرمین نیز «قسوره» نه در معنای شیر بلکه غلبه، سختی و گیاه به کار رفته است. در معنای سختی و دشواری در شعر مالک بن عامر اشعری چنین آمده است:

وَبِالْقَادِسیَّةِ فِي مَوْقِفٍ يُعْرَدُ عَنْ مِثْلِهِ الْقَسُورِ (ثعلب، ج ۴، ۲۰۰۸: ۳۴)

یعنی: در قادسیه در جایگاهی قرار گرفتم که از چنان جایگاه سخت و دشواری دوری می‌شد. به معنای گیاه نیز در شعر حمید بن ثور هلالی این گونه بیان شده است:

رَعَى الْقَسُورَ الْجَوْنِيَّ مِنْ حَوْلِ أَشْمِيسٍ وَمِنْ بَطْنِ سَقْمَانَ الدُّعَادِجِ سِدِيمَا

(هلالی، ۱۳۸۴: ۱۲)

یعنی: آن شتر نر گیاه سبز تیره را در پیرامون منطقه اشمس و گیاهان منطقه سقمان را چرید.

چنانکه ملاحظه گردید در اشعار مخضرمین نیز «قَسُورَة» در معنای سختی و گیاه است و با تتبع ما معنای شیر برای آن مشاهده نگردید.

### ۳-۴- قسوره در شعر صدر اسلام

در اشعار شعرای صدر و بعد اسلام معنای «قسوره» توسعه یافته و علاوه بر آنچه در دوره جاهلی و مخضرمین ذکر گردید، معنای «شیر» نیز به معنای پیشین اضافه گردید. به عنوان نمونه در معنای گیاه، جیبهاء اشجعی این گونه سروده است:

لَجَاءَت كَأَنَّ الْقَسُورَ الْجَوْنَ بَجْهَهَا عَسَالِيْجُهُ وَالنَّامِرُ الْمَتَنَاوِخُ (اصغر، ۱۴۲۰: ۵۱۲)

یعنی: بز کوهی بازگشت و گویی گیاه سبز تیره، شاخه‌های نرم گیاهان و درختان انبوه پرثمر چاقش کرده بود.

و در معنای شیر سید حمیری چنین سروده است:

ذَكَرْتُ امْرَأً فَرَّ عَنْ مِزْحَبٍ فِرَارِ الْحَمَارِ مِنَ الْقَسُورِ

(حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۱۰)

یعنی: از مردی سخن گفتم که از مرحب گریخت، همچون گریختن گورخر از شیر یا تیرانداز. و یا در شعر رؤبه بن عجاج که شارحان آن را به معنای شیر گرفته‌اند:

قَسْوَرَةَ يَعْتَزُّ كُلَّ قَسْوَرٍ كَأَنَّ حَيْدِي رَأْسِهِ الْمُدْكَرِ ... (ابن عجاج، ۱۴۳۲، ج ۱: ۲۹۸)

یعنی: شیری که بر هر شیر دیگری غلبه می‌کند، گویی دو طرف سر او که نشانه‌ای از مؤنث بودن در آن نیست (دو صخره بر روی زمین است).

بررسی اشعار دوره‌های فوق نشان می‌دهد که «قَسْوَرَةَ» به معنای شیر بعد از اسلام رواج یافته‌است و به نظر می‌رسد شدت و چیرگی که از دیدگاه لغویون عرب از معنای اصلی این واژه است بر حیوانی که در نبرد، سرسخت بوده مصطلح گردیده‌است. مؤید این دیدگاه شعر ولید بن یزید است که قسوره را صفت برای غضنفر آورده‌است: غَضَنْفَرٍ أَهْرَبَتِ الشَّدِيقِينَ قَسْوَرَةَ (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۹: ۱۷۵) که در اینجا قسوره به معنای چیره و غالب صفت غضنفر است.

در اینجا باید پرسید بر چه اساسی در عصر بعد از اسلام «قَسْوَرَةَ» به معنای شیر مصطلح گردید؟ آیا روایات این معنا را عرضه داشتند؟ یا دلیل دیگری باید برای آن جست؟ در ادامه، این واژه بر اساس ترتیب تاریخی در تفاسیر بررسی می‌شود تا شاید پاسخ سؤالات مشخص گردد.

### ۳-۵- تبارشناسی ریشه (ق س ر) در زبان‌های سامی

با توجه به اختلاف فراوان در معنای «قسوره»، بررسی ریشه این واژه در زبان‌های سامی ممکن است در تعیین معنا کمک کننده باشد. از این رو در ادامه به بررسی آن در شاخه‌های زبان سامی می‌پردازیم.

از میان شاخه‌های زبان سامی شاخه شمال شرقی، اکدی، (ن.ک: Miguel, 1968)، شاخه‌های شمال غربی عبری (ن.ک: Gesenius, 1882) و مندایی (ن.ک: macuch, 1936)، شاخه جنوبی سبئی (ن.ک: beston, 1982) فاقد ماده (ق س ر) هستند. از شاخه جنوبی در حبشی واژه  $\Phi\Omega\zeta$  (qsr) (ن.ک: dilimann, p433) و در شاخه شمال غربی آرامی ترگومی



واژه ٦٥٢ (qesar) (Jastrow, 1903, vol 2:1395) به معنای سزار و قیصر پادشاه روم آمده است. در این دو شاخه این ماده در هیئت فعلی کاربرد نداشته و فقط در هیئت اسمی در معنای قیصر آمده است.

از میان شاخه‌های زبان سامی به غیر عربی در شاخه سریانی این ماده در هیئت اسمی به معنای ضعیف و الاغ ناتوان آمده است. در فرهنگ منا واژه قوسرا (منا، ۱۹۷۵: ۵۴۹) به معنای الاغ پیر و بی رمق و حیوان در حال از بین رفتن آمده است.

فرهنگ دسارس قوسرا را هم به معنای ناتوان و هم به معنای الاغ فرتوت و ضعیف معنا کرده است (Smith, 1901, vol2: 3681).

با توجه به کاربرد این ماده در زبان سریانی پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان از این کاربرد در معناشناسی «قسوره» در آیه مورد نظر استفاده کرد، در ادامه در بخش ترجمه پیشنهادی خواهد آمد.

#### ۴- دیدگاه مفسران

با نگاهی به تفاسیر در ذیل آیه مورد بحث و معنای «قسوره» خواننده متعجب می‌شود که چگونه معنای این واژه معرکه آراء مفسران گردیده است.

در تفاسیر، هفت معنا برای قسوره بیان شده که عبارتند از:

۱. شیر
۲. تیر انداز
۳. طناب صیاد
۴. گروهی از مردان
۵. صوت خفی مردم
۶. تاریکی و شب
۷. تیر

تمامی معانی فوق مستند به روایت است. حال باید پرسید چگونه برای یک واژه، هفت معنا در هفت گونه روایات نقل شده است و همگی به صحابه و تابعان منتهی می‌شوند؟ صحابه و تابعان نزدیک‌ترین کسان به نزول قرآن و آشناترین افراد به لغت عرب و ادبیات قرآن هستند، علت این اختلاف نظر چیست؟ به نظر بررسی سیر تاریخی تفاسیر قرون ضرورت دارد.

#### ۴-۱- تفاسیر قرن دوم

بررسی سیر تاریخی معنای «قَسْوَرَة» در تفاسیر نشان می‌دهد که در فرایند زمان برخی از معانی نسبت به معانی دیگر در اولویت قرار گرفته و رایج گردیدند.

از تفاسیر قرن دوم تفسیر مقاتل بن سلیمان (متوفی ۱۵۰ق) است که وی ابتدا معنای تیرانداز را آورده و سپس می‌گوید در معنای قسوره، شیر نیز گفته شده است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۴: ۵۰۰).

از دیگر تفاسیر قرن دوم معانی القرآن فراء (متوفی ۲۰۷ق) است که دو معنا برای قسوره آورده است؛ اول تیرانداز و سپس می‌گوید کلبی با اسنادش قسوره را شیر معنا کرده است. سپس با سند خود از عکرمة نقل می‌کند که کسی به عکرمة گفت که قسوره در زبان حبشی به معنای شیر است. عکرمة می‌گوید در زبان حبشی «عَبَسَه» به معنای شیر است و قسوره به معنای تیرانداز است. از سخن فراء و مقاتل بر می‌آید که معنای انتخابی این دو تیرانداز بوده نه شیر (فراء، ۱۴۰۳، ج ۳: ۲۰۶).

ابوعبیده (متوفی ۲۰۹ق) در مجاز القرآن یک معنا برای قسوره آورده و آن هم شیر است (ابو عبیده، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۷۶).

در تفسیر عبدالرزاق صنعانی (متوفی ۲۱۱ق) دو معنا برای قسوره آمده که با معنای فراء و مقاتل متفاوت است. معنای اول که با سند خودش به ابن عباس می‌رسد، قسوره را «صوت خفی مردم» معنا کرده و معنای دوم نیز که با سند خود به مجاهد می‌رسد، قسوره را «تیر» معنا کرده است. به نظر عبدالرزاق، معنایی که از ابن عباس نقل کرده برایش مرجح

بوده؛ گرچه لفظی که دلالت بر این ترجیح داشته باشد به کار نبرده است (صنعانی، ۱۴۱۰، ج ۳: ۳۳۲).

از چهار مفسر فوق مقاتل در قرن دوم و بقیه در قرن دوم و دهه اول قرن سوم می‌زیستند. با اندک اغمازی همگی متعلق به قرن دوم هستند. با این وجود معنایشان از قسوره متفاوت است و این دلالت بر این دارد که معنای دقیق این واژه برایشان روشن نبوده است. این مسأله زمانی اهمیت پیدا می‌کند که ملاحظه می‌گردد معانی کمترین قرابت را با هم دارند. معانی تیرانداز و شیر با صوت خفی مردم، قرابتی با هم ندارند. یا بین تیرانداز و شیر به سختی می‌توان قرابت ایجاد کرد. بنابراین در قرن دوم، چهار معنای متفاوت برای این واژه ذکر گردیده است که اگر تفسیر مقاتل را شیعی بدانیم در یک تفسیر شیعی و سه تفسیر اهل سنت نقل شده است. وارد قرن سوم و چهارم شویم تا ببینیم در این دو قرن مفسران چه معنایی برای واژه اتخاذ کرده‌اند.

#### ۲-۴- تفاسیر قرن سوم و چهارم

۲-۴-۱- در تفسیر قمی از امام علی (ع) نقل می‌کند که قسوره به معنای شیر است (قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲: ۳۹۶). ابن قتیبه از ابو عبیده نقل می‌کند که قسوره به معنای شیر است که ظاهراً منظورش ابو عبیده معمر بن مثنی صاحب مجاز القرآن است و سپس می‌گوید در تفسیر برخی به معنای تیراندازان است. وی صوت خفی مردم را نیز از ابن عباس در معنای واژه آورده است. این سه تفسیر قرن سوم سه معنای شیر، تیرانداز و صوت خفی را برای قسوره آورده‌اند.

۲-۴-۲- به قرن چهارم که می‌رسیم برخی مفسران مانند طبری به جمع اقوال تفسیری می‌پردازند. طبری با عبارت «اختلف اهل التاویل في معنى القسورة» اعلام می‌کند که اهل تفسیر در معنای قسوره اختلاف نظر دارند. و سپس به معنای واژه می‌پردازد. معانی که طبری ذکر می‌کند به ترتیب عبارتند از: تیراندازان، تیر، صیاد، گروهی از مردان، صدای مردان یا صوت خفی مردم و شیر.

تمامی معانی طبری مستند به روایات است که به بررسی آنها می‌پردازیم. مستند طبری در معنای تیراندازان یازده روایت است. از این روایات، پنج روایت به مجاهد، دو روایت به ابن عباس، دو روایت به عکرمه، یک روایت به قتاده و یک روایت هم به ابی موسی می‌رسد. در این یازده روایت، در یک روایت تعبیر به تیرانداز صیاد شده و در روایتی دیگر صیادانی از تیراندازان. به نظر می‌آید منشأ معانی روایات فوق، ابن عباس است؛ زیرا افرادی مانند مجاهد، عکرمه و قتاده شاگردان وی می‌باشند که به احتمال زیاد از او گرفته‌اند.

مستند قسوره به معنای «تیر» در تفسیر طبری فقط یک روایت از قتاده است. روایات دال بر معنای صیاد، سه روایت است که یکی به ابن عباس و دوتای دیگر به سعید بن جبیر می‌رسد.

عدد روایاتی که قسوره را به معنای «گروهی از مردان» معنا کرده، سه روایت است، که دو روایت به ابن عباس و یکی به عبدالصمد بن عبدالوارث می‌رسد. نکته‌ای که در این روایات وجود دارد این است که معنای قسوره از ابن عباس پرسیده می‌شود، وی پاسخ می‌دهد به گروهی از مردان گویند، سپس می‌گوید: آیا نشنیده‌اید که در جاهلیت، شخصی چنین گفته است: «يَا بِنْتَ لُؤَيٍّ خَيْرَةٌ لِّخَيْرِهِ أحوَالُهَا فِي الْحَيِّ مِثْلُ الْقَسْوَرَةِ» یعنی: ای دختر قبیله‌ی بنی لؤی که پاک و نیکوکاری و سرشتت در قبیله همچون سرشت مردان است. ابن عباس معنای مورد نظرش را مستند به شعر جاهلی کرده است. البته ما در اشعار جاهلی موجود این بیت را نیافتیم.

طبری یک روایت نیز دال بر معنای «صوت مردان» آورده است که به ابن عباس می‌رسد. بخش آخر روایات که هشت روایت است قسوره را به «شیر» معنا کرده‌اند. دو روایت به ابن عباس، سه روایت به ابو هریره، سه روایت به زید بن اسلم می‌رسد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۱۰۶-۱۰۷).

#### ۴-۲-۱- تحلیل روایات طبری

آنچه در تفسیر طبری درباره این روایات مهم است، سکوت طبری در انتخاب معنای مرجح است که موجب تعجب می‌شود؛ زیرا وی معمولاً هر جا که چند معنا برای واژه‌ای بیاورد، نظر انتخابی خود را نیز بیان می‌کند و گاهی دلیل صحت انتخاب خود را نیز ذکر می‌کند. طبری در مورد این روایات، سکوت کرده و این دلالت بر این دارد که هیچ کدام از معانی که در روایات آمده، برایش مرجح نبوده‌است.

از طرف دیگر هیچ کدام از روایات طبری به پیامبر (ص) نمی‌رسد. همگی مرسل، مقطوع و موقوفند. علاوه بر این، روایات با یکدیگر در تعارض‌اند. به جز یک دسته از روایات در بقیه روایات، ابن عباس حضور دارد. این تعارض در سخن ابن عباس به گونه‌ای است که رفع تعارض مشکل است. در یک روایت ابن عباس قسوره را به «گروهی از مردان» معنا کرده و استناد به شعر جاهلی کرده است. در حالی که در روایات دیگر معانی دیگر را بیان کرده‌است.

از جنبه تحلیل آماری، روایاتی که قسوره را به تیرانداز معنا کرده، یازده روایت است که بسامد بیشتری نسبت به سایر روایات دارند و از این جهت باید در اولویت قرار گیرند. بسامد روایاتی که «قسوره» را شیر معنا کرده است، هشت روایت است که از جنبه تحلیل آماری در مرتبه دوم قرار می‌گیرد.

از مفسران هم عصر طبری، سمرقندی در تفسیر بحرالعلوم همان معانی طبری را ذکر کرده‌است، با این تفاوت که روایات را نیاورده و فقط به ذکر معانی بسنده کرده‌است (سمرقندی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۵۱۹).

#### ۴-۳- قرن پنجم تا هشتم

در قرن پنجم بیشتر تفاسیر همان معانی طبری را برای قسوره آورده‌اند، جز این که شیخ طوسی در تبیان (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱۰: ۱۸۷) اولین معنای قسوره را شیر آورده و بقیه معانی را به دنبال آن ذکر کرده است. قشیری از اهل سنت در لطایف الاشارات (قشیری، ۱۴۲۸، ج ۳:

۶۵۲) قسوره را فقط شیر معنا کرده است. جا به جایی معنای قسوره از تیراندازان به شیر در این قرن آغاز و در قرون بعدی رایج گردید، به طوری که در قرن ششم فخر رازی، طبرسی، میبدی و ابن جوزی، اولین معنا برای قسوره، شیر ذکر کردند (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰: ۷۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۵۹۳؛ میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۲۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۳۶۶). در مقابل، زمخشری قسوره را معنای تیراندازان دانسته و شیر را با لفظ قیل آورده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۵۶). برخی هم فقط به ذکر اقوال مختلف اشاره کرده و هیچ کدام را ترجیح نداده‌اند (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵: ۳۹۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۱۸۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۳۶۶).

در این قرن تعداد مفسرانی که اولین معنای قسوره را شیر ذکر کرده، بیشتر گردیده و یک معنا بر معانی قبل اضافه گردید و آن «اول شب» بود. قسوره به معنای اول شب در آیه چنین معنا گردید «از تاریکی شب فرار می‌کند» (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴: ۳۶۶). ابن جوزی این معنا را به عکرمه منتسب می‌کند ولی در روایاتی که در منابع پیشین بررسی کردیم چنین معنایی از عکرمه وجود نداشت. البته در شعر طرفه بن عبد به معنای تاریکی شب آمده بود که احتمالاً مبنای این تفسیر است. در قرن هفتم این معنا توسط قرطبی نیز آورده شده است (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۸۹). بدین ترتیب در قرون بعدی معنای قسوره غالباً به تیراندازان و شیر محدود گردید و گاهی شیر و گاهی تیراندازان ترجیح داده شده است (رک: قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۱۹: ۸۹؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰: ۳۳۹؛ شیانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۲۶۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸: ۲۸۲).

ملاحظه گردید که منشا اختلاف مفسران در معنای قسوره، روایاتی است که در این زمینه نقل شده است. همین اختلافات باعث گردیده که مترجمان نیز به آن دامن بزنند و شاهد ترجمه‌های متفاوت از این واژه باشیم. مترجمان لاتین تحت تأثیر تفاسیر و معاجم متأخر معنای قسوره را شیر گرفته و توجهی به روایات نداشته‌اند. در عین حال این معنا نیز برایشان مسجّل نبوده و علامت سؤال و تعجب پایان آیه دلیل آن است.

## ۵- بررسی ترجمه‌ها

مترجمین فارسی قسوره را به چند معنا آورده‌اند. غالب آنان قسوره را شیر معنا کرده‌اند. برخی علاوه بر شیر در پراتنز مردان تیرانداز و شکارچی را نیز ذکر کرده‌اند (ترجمه خسروی). برخی در مقابل شیر در پراتنز شکارچی آورده‌اند (ترجمه مجتبوی). برخی قسوره را صیاد ترجمه کرده و در پراتنز شیر آورده‌اند (مشکینی). برخی قسوره را جماعت تیرانداز ترجمه کرده‌اند (نوبری). کشف الاسرار شیر را صیاد ترجمه کرده‌است. ترجمه قرن دهم هر سه معنای شیر، تیراندازان، صیادان را آورده‌است.

در ترجمه‌های انگلیسی قسوره را lion به معنای شیر آورده‌اند (آبربی، ایروینگ، شاکر، پیکتال، قرائی، صفارزاده، محمد و سمیرا، مسلمانان مترقی و یوسف علی). غالب مترجمان انگلیسی معنای این واژه برایشان سؤال برانگیز بوده به همین جهت در پایان آیه علامت سؤال قرار داده‌اند. در این بین یوسف علی علامت تعجب و صفارزاده، مسلمانان مترقی و محمد و سمیرا بدون علامت سؤال و تعجب جمله را مختوم کرده‌اند. در ترجمه‌های فرانسوی نیز lion به معنای شیر (ماسون، فخری، حمیدالله) آمده و فقط حمیدالله جمله را مختوم به نقطه کرده و بقیه با علامت سؤال پایان داده‌اند. در ترجمه‌های آلمانی رودی پارت، احمدیه، زیدان و محمد، قسوره را شیر ترجمه کرده و همگی در پایان آیه علامت سؤال گذاشته‌اند. از این میان زیدان علامت تعجب را نیز اضافه کرده که گویا تعجب وی از این معنا برای قسوره بوده است. از میان ترجمه‌های فرانسوی، الازهر ترجمه‌ای متفاوت از بقیه ارائه داده‌است. الازهر «قسوره» را «تعقیب کنندگان» معنا کرده‌است. در جداول ذیل ترجمه‌ها به تفکیک ارائه گردیده‌است.

جدول شماره ۱: ترجمه‌های فارسی

نام مترجم	ترجمه
آبتی	شیر
ارفع	شیر
اشرفی	شیر

شیر	الهی قمشه ای
شیر	برزی
شیر	بروجردی
شیر	پاینده
شیر	پورجوادی
شیر	تشکری
شیر	حلبی
شیر (مردمان، تیرانداز، شکارچی)	خسروی
شیر	خواجوی
شیر	رضایی
شیر	شعرانی
شیر	طاهری
شیر	عاملی
شیر	فولادوند
شیر	فیض الاسلام
شیر	کاویانپور
شیر یا شکارچی	مجتبوی
صیادی (یا شیری)	مشکینی
شیر	معزی
شیر	مکارم
جماعت تیر انداز	نوبری
شیر یا صیاد	کشف الاسرار
شیر تیراندازان صیادان	قرن دهم
شیر	صفی علی شاه



جدول شماره ۲: ترجمه‌های انگلیسی

نام مترجم	ترجمه
شاگرد	Lion? = شیر؟
ایروینگ	Lioness? = ماده شیر؟
صفار زاده	Lion = شیر
قرایی	Lion? = شیر؟
پیکتال	Lion? = شیر؟
سرور	Lion? = شیر؟
محمد و سمیرا	Lion = شیر
مسلمانان مترقی	Lion = شیر
یوسف علی	Lion! = شیر!
آربری	Lion? = شیر؟

جدول شماره ۳: ترجمه‌های آلمانی

نام مترجم	معنا
پارت	(qaswara) (Lowen) (شیر) (قسوره)؟
محمد	Lowen? = شیر
الازهر	Verfolgen? = تعقیب کنندگان؟
احمدیه	Lowen? = شیر؟
زیدان	Lowen?! = شیر؟!
کوری	Lowen? = شیر؟

جدول شماره ۴: ترجمه‌های فرانسوی

نام مترجم	معنا
فخری	Lion?
حمید اله	Lion
ماسون	Lion?

با توجه به مباحث گذشته در پاسخ این سؤال که علت اختلاف مترجمان فارسی در ترجمه «قسوره» چیست، باید گفت که مبنای انتخاب هر مترجم روایات منقول ذیل این آیه است، با این حال علت ترجیح روایاتی بر روایات دیگر توسط مترجمان مشخص نیست. در رابطه با مترجمان لاتین نیز باید گفت مبنای انتخابشان دیدگاه‌های واژه‌پژوهان متأخر است.

### ۶- معنای پیشنهادی

لازم است ابتدا بر گردیم به آیه مورد بحث. خداوند در آیه می‌فرماید: ﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ \*كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ\* ﴿فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ (مدثر/۵۱-۴۹) (چرا آن‌ها از تذکر روی گردانند؟!)\* گویی خرازی رمیده‌اند،\* که از (مقابل) شیری فرار کرده‌اند!).

معنایی که غالب مفسران اسلامی برای «قسوره» آورده‌اند شیر است. این که حیوانی در معرض شیر قرار گیرد و فرار کند منطقی و معقول است؛ لذا قرآن می‌فرماید کسانی که از قرآن روی گردانند مانند الاغ‌های رمیده‌ای هستند که از شیر فرار می‌کنند. این معنا صرف نظر از معانی دیگری که در روایات آمده و لغت‌شناسان آن‌ها را در آثار خود آورده‌اند، پذیرفتنی است ولی اشکالات سابق که در بررسی روایات گفته شد کماکان پابرجاست.

معنای دیگری که می‌توان برای «قسوره» طبق منابع سریانی آورد، «الاغ یا حیوان بی رمق و در حال هلاکت» است. بر این اساس، تشبیه در آیه این گونه است؛ آن‌هایی که از قرآن روی گردانند، شبیه الاغ رمیده‌ای هستند که از حیوان بی‌رمق و در حال مرگ فرار می‌کنند. این تشبیه نیز به صورت کنایه به نظر منطقی می‌رسد. برای توضیح بیشتر باید گفت، فرار الاغ از شیر با فطرت الاغ سازگار است و همچنین انس الاغ با حیوانات بی‌خطر هم‌سنخ خود نیز با فطرتش سازگار است و اگر بی‌جهت از حیواناتی که با آن‌ها انس دارد برمد جای تعجب دارد. حال باید پرسید مطالب قرآن با فطرت انسان سازگاری دارد یا خیر؟ پاسخ این سؤال بدون شک مثبت است و مضامین قرآن با فطرت انسان سازگار است. از این رو وقتی معاندان با آن مواجه می‌شوند مانند الاغی که در معرض شیر قرار گرفته، فرار

نمی‌کنند، بلکه اگر فرار کنند مانند فرار از حیوان بی‌آزار است که جای تعجب دارد. به عبارت دیگر این معنا بیان می‌کند که قرآن خطری برای شما ندارد، چرا وقتی با آن مواجه می‌شوید از آن روی بر می‌گردانید و مانند الاغی که از الاغ بی‌رمق فرار می‌کند می‌شوید، در حالی که الاغ بی‌رمق خطری برای شما ندارد. داستان اسعد بن زاره معروف است که در طواف خانه خدا پنبه در گوش خود نهاد تا صوت قرآن را نشنود؛ اما در دور دوم طواف پنبه را در آورد و وقتی آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ انعام را شنید متقلب شد و شهادتین سر داد (طبرسی، ۱۳۹۰: ۵۰).

بنابراین مضامین قرآن با فطرت انسان سازگار است و چنان نیست که با شنیدن آن مانند الاغ از شیر فرار کند بلکه اگر فرار کند فرارش مانند فرار الاغ از الاغ بی‌رمق و پیر است و با توجه به این که هم‌سنخ و بی‌خطر است، موجب تعجب می‌شود.

نکته دیگری که در این تشبیه وجود دارد این است که قرآن معاندان را در بی‌خردی به الاغ تشبیه کرده‌است، اما نه از این جهت که از شیر فرار می‌کنند چون این فرار بر اساس فطرت الاغ کاملاً صحیح است، بلکه از این جهت است که وقتی از الاغ بی‌رمق فرار کنند که هیچ خطری برایشان ندارد به نوعی، اشاره به بلاهت الاغ دارد و این تشبیه بسیار ظریفی است.

معنای «الاغ پیر» برای «قسوره» از یک جهت دیگر نیز با سیاق سازگارتر است؛ زیرا آیه قبل اشاره به الاغ دارد و در این آیه با این معنا ارتباط را حفظ کرده است. این که قرآن از یک لغت سریانی استفاده کرده‌است هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا قرآن از واژگان بیگانه در برخی آیات استفاده کرده‌است و بیشترین واژگان قرضی در قرآن از زبان سریانی است (جفری، ۱۳۸۶: ۷۵). به این دلیل که همزمان با ظهور اسلام زبان آرامی سریانی در بخش‌های وسیعی از خاور نزدیک، آناتولی و همچنین در سرزمین بحرین تکلم می‌شده‌است (Holes, 2001: XXIV-XXVI) و عموماً این زبان تأثیری ژرف بر زبان عربی داشته‌است (Beeston, 1983: 497) و به همین دلیل اعراب با بسیاری از این واژگان آشنا بودند.

علاوه بر مطالب فوق، شواهدی نیز در منابع لغوی ادبیات عرب وجود دارد که به معنای پیشنهادی کمک می‌کند. لسان العرب در مدخل «ق س ر» دو واژه «الْقَوَسْرَة و الْقَوَسْرَة» را آورده و می‌گوید این دو، همان «الْقَوَصْرَة و الْقَوَصْرَة» هستند (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۹۴). همچنین لسان العرب ذیل مدخل «ق ص ر»، واژه‌ی «الْقَوَصْرَة» را به معنای ظرفی ساخته شده از ریشه‌های نی که با آن خرما می‌برند. بیان کرده‌است (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۱۰۵). این واژه با ساختاری مشابه، البته با عین الفعل «س» در زبان سریانی به همین معنا آمده است (منا، ۱۹۷۵: ۵۴۹). همچنین در سریانی شبیه واژگان قبل، واژه‌ی «قوسرا» به معنای ناتوان و الاغ ضعیف آمده‌است (Smith, 1901, vol2: 3681). ابن درید می‌گوید «القوصره» در عربی اصلی برای آن نمی‌دانم و به نظرم دخیل است (ابن درید، ۱۹۸۷، ج ۲: ۷۴۳). این که قوصره و قوسره از ریشه «ق س ر» باشند یا از «ق ص ر»، ابن منظور به تبدیل سین به صاد یا بر عکس در این دو واژه قائل است و می‌گوید از این موارد در کلام فراوان است (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۹۹). برای سخن ابن منظور شاهد قرآنی نیز وجود دارد، واژه «بِمُصَيِّرٍ» در سوره غاشیه که به صورت «بمسیطر» نیز قرائت شده‌است (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۳۷). حال اگر بر اساس سخن ابن منظور احتمال و فرض بدهیم که قسوره از ریشه قصر بوده و ابدال در آن اتفاق افتاده، برخی معانی ذیل قصر به معنای پیشنهادی «قوسرا»ی سریانی نزدیک است. در معنای پیشنهادی سریانی، «ضعف و ناتوانی» محور است و این معنا برای ریشه «ق ص ر» در لسان العرب ذکر شده‌است به طوری که «قَصَرَ عَنْهُ» را به معنای ناتوان شدن از چیزی آورده است و برای این معنا شواهدی از ثلاثی و مزید ذکر کرده‌است (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۹۸). همچنین از مشتقات «ق ص ر» به معنای تنبل نیز آمده است به طوری که «الْقَصْرَة» و «الْقَصَار» را ابن منظور تنبل معنا کرده‌است (ابن منظور، ۱۴۰۶، ج ۵: ۱۰۴). به طوری که ملاحظه گردید شواهد فوق می‌تواند به معنای پیشنهادی کمک کند.

سخن آخر این که نویسندگان مدعی نیستند که معنای پیشنهادی، فصل الخطاب بوده و به اختلافات پایان داده است، بلکه موضوع را از منظر زبان‌شناسی تاریخی تطبیقی بررسی

کرده، تا شاید به بسط دانش در این حوزه کمک کند و همچنین دریچه نقد و بررسی در این باره باز است.

## ۷- نتیجه‌گیری

دستاورد پژوهش حاضر به شرح زیر ارائه می‌باشد:

۱- واژه «قسوره» از واژگانی است که در میان زبان‌های سامی تنها در زبان عربی آمده و در ادبیات پیش از اسلام کاربرد داشته است. همچنین واژه «قوسرا» که از نظر ساختار با «قسوره» عربی مشابهت و از نظر معنا متفاوت است، تنها در زبان سریانی آمده است.

۲- «قسوره» در ادبیات جاهلی به عنوان صفت در معنای شدت، غالب و نیرومند، و در ادبیات مخضرمین به معنای دشواری و نوعی گیاه آمده است.

۳- در ادبیات دوره اسلامی معنای شیر به معنای پیشین اضافه گردید و احتمالاً وصف شدت و چیرگی موجب شده تا نامی برای حیوانی قرار گیرد که در نبرد چیره و غالب است.

۴- در دوره‌های بعد لغت‌شناسان معانی متعدد را از جمله: صیاد، تیر، تیرانداز، شیر، صوت خفی آدمیان، تاریکی اول شب، طناب صیاد، گروه مردان، و نوعی گیاه برای «قسوره» را در ذیل مدخل «ق س ر» یک جا آوردند.

۵- منشأ اختلاف معانی این واژه، روایات متعدد مرسل، موقوف و مقطوع است که مبنای تفسیر و ترجمه گردید.

۶- با توجه به کاربرد این واژه در زبان سریانی به معنای الاغ پیر و بی‌رمق، پیشنهاد می‌شود «قسوره» در آیه «فَوتٌ مِنْ قَسْوَرَةٍ» به معنای الاغ پیر و بی‌رمق معنا شود.

## ۸- منابع

\*قرآن کریم

۱- ابن منظور الأفریقی، محمد، *لسان العرب*، ط ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۱۴ق).

- ۲- ابن العجاج، رؤبة، ديوان الشعر، تحقيق: ضاحي عبدالباقي محمد، ط ۱، القاهرة: مجمع اللغة العربية، (۱۴۳۲ق).
- ۳- ابن دريد، محمد بن الحسن، جمهرة اللغة، تحقيق: رمزي منير بعلبكي، ط ۱، بيروت: دارالعلم للملايين، (۱۹۸۷م).
- ۴- ابن فارس، ابوالحسن احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: مكتبة الخانجي، (۱۳۹۹ق).
- ۵- ابو عبيد معمر بن مثنى، معجاز القرآن، تحقيق: محمد فؤاد سزگين، القاهرة: مكتبة الخانجي، (۱۳۸۱ق).
- ۶- ابو عمرو، طرفة بن العبد بن سفيان بن سعد البكري، ديوان الشعر، تحقيق: مهدي محمد ناصر الدين، ط ۳، بيروت: دار الكتب العلمية، (۱۴۲۳ق).
- ۷- ارفع، كاظم، ترجمه قرآن، فيض كاشاني: تهران، چاپ سوم، (۱۳۸۵ش).
- ۸- ازهرى، أبو منصور محمد بن أحمد بن الهروي، تهذيب اللغة، تحقيق: محمد عوض مرعب، ط ۱، بيروت: دار إحياء التراث العربي، (۲۰۰۱م).
- ۹- اشرفى تبريزى، محمود، ترجمه قرآن، جاويدان: تهران، چاپ چهاردهم، (۱۳۸۰ش).
- ۱۰- اصغر، أخفش، الاختيارين؛ المفصلات والأصمعيات، تحقيق: فخرالدين قباوة، ط ۱، بيروت: دارالفكر، (۱۴۲۰ق).
- ۱۱- آيتى، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، سروش: تهران، چاپ چهارم، (۱۳۷۴ش).
- ۱۲- برزى، اصغر، ترجمه قرآن، بنياد قرآن: تهران، چاپ اول، (۱۳۸۲ش).
- ۱۳- بروجردى، سيد محمد ابراهيم، تفسير جامع، صدر: تهران، چاپ سوم، (۱۳۶۶ش).
- ۱۴- بلاذري، أحمد بن يحيى بن جابر بن داود، أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلي، ط ۱، بيروت: دار الفكر، (۱۴۱۷ق).
- ۱۵- پاينده، ابوالقاسم، ترجمه قرآن، سازمان انتشارات جاويدان: تهران، چاپ پنجم، (۱۳۵۷ش).
- ۱۶- پورجوادى، كاظم، ترجمه قرآن، بنياد دائرة المعارف اسلامى: تهران، چاپ سوم، (۱۳۷۵ش).
- ۱۷- ترجمه قرآن قرن دهم، مترجم ناشناس، تصحيح على رواقى، فرهنگستان زبان و ادب فارسى: تهران، چاپ اول، (۱۳۸۳ش).
- ۱۸- تشكرى آرانى، شهاب، ترجمه منظوم قرآن، پگاه اندیشه: تهران، چاپ اول، (۱۳۸۴ش).

- ۱۹- ثعلب، أبو العباس أحمد بن يحيى، مجالس ثعلب، شرح و تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، ط ۲، مصر: دارالمعارف، (۲۰۰۸م).
- ۲۰- حسن جبل، محمد حسن، المعجم الاشتقاقي المؤصل لألفاظ القرآن الكريم (مؤصل بیان العلاقات بين ألفاظ القرآن الكريم بأصواتها وبين معانيها)، ط ۱، القاهرة: مكتبة الآداب، (۲۰۱۰م).
- ۲۱- جفری، آرتور، واژه‌های دخیل در قرآن مجید، ترجمه: فریدون بدره‌ای، طوس: تهران، چاپ دوم، (۱۳۸۶ش).
- ۲۲- جوزی، جمال‌الدین أبو الفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، ط ۱، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۲۲ق).
- ۲۳- حلبي، علی اصغر، ترجمه قرآن، اساطیر: تهران، چاپ اول، (۱۳۸۰ش).
- ۲۴- حمیری، السید، دیوان الشعر، شرح ضیاء حسین الأعلمی، ط ۱، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، (۱۴۲۰ق).
- ۲۵- خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، کتاب فروشی اسلامیة: تهران، چاپ اول، (۱۳۹۰ق).
- ۲۶- خواجهی، محمد، ترجمه قرآن، انتشارات مولی: تهران، چاپ اول، (۱۳۶۹ش).
- ۲۷- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، مفاتیح‌الغیب، ط ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).
- ۲۸- راغب إصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، ط ۱، دمشق: دارالعلم و بیروت: الدار الشامیة، (۱۴۱۲ق).
- ۲۹- رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، ترجمه قرآن، موسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر: قم، چاپ اول، (۱۳۸۳ش).
- ۳۰- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، تحقیق: علی محمد معوض، عادل احمد عبدال موجود، زکریا عبدالمجید التوتی، ط ۱، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۱۳ق).
- ۳۱- سید جلال‌الدین، مجتبی، ترجمه قرآن، حکمت: تهران، چاپ اول، (۱۳۷۱ش).
- ۳۲- شعرانی، ابوالحسن، قرآن مجید با ترجمه فارسی و خواص سور و آیات، کتاب فروشی اسلامیة: تهران، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).
- ۳۳- صفارزاده، طاهره، ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن، اسوه: قم، چاپ پنجم، (۱۳۹۴ش).
- ۳۴- صفی علی شاه، حسن، تفسیر صفی، منوچهری: تهران، چاپ اول، (۱۳۷۸ش).

- ۳۵- صنعانی، عبدالرزاق، تفسیرالقرآن، تحقیق: مصطفی مسلم محمد، ط ۱، ریاض: مکتبة الرشد، (۱۴۱۰ق).
- ۳۶- طاهری قزوینی، علی اکبر، ترجمه قرآن، قلم: تهران، چاپ اول، (۱۳۸۰ش).
- ۳۷- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، اسلامیة: تهران، چاپ سوم، (۱۳۹۰ق).
- ۳۸- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو: تهران، چاپ سوم، (۱۳۷۲ش).
- ۳۹- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: أحمد حیب قصیر العاملی، ط ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۰۹ق).
- ۴۰- عامری، لیبید بن ربیعة، دیوان الشعر، ط ۱، بیروت: دار صادر، (۱۹۹۹م).
- ۴۱- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، صدوق: تهران، چاپ اول، (۱۳۵۹ش).
- ۴۲- فراء، أبوزکریا یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ط ۱، بیروت: عالم الکتب، (۱۴۰۳ق).
- ۴۳- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی: تهران، چاپ سوم، (۱۳۷۶ش).
- ۴۴- فیض الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و تفسیر قرآن عظیم، فقیه: تهران، چاپ اول، (۱۳۷۸ش).
- ۴۵- قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبی بکر، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: أحمد البردونی و ابراهیم أطفیش، ط ۲، القاهرة: دارالکتب المصرية، (۱۳۸۴ق).
- ۴۶- قشیری، عبدالکریم، لطائف الإشارات، تحقیق: عبداللطیف حسن عبدالرحمن، ط ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۲۸ق).
- ۴۷- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزایری، دار الکتب: قم، چاپ سوم، (۱۳۶۷ش).
- ۴۸- کاویان پور، احمد، ترجمه قرآن، اقبال: تهران، چاپ سوم، (۱۳۷۸ش).
- ۴۹- مشکینی، علی، ترجمه قرآن، الهادی: قم، چاپ دوم، (۱۳۸۱ش).
- ۵۰- مطصفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، بنگاه ترجمه و نشر کتاب: تهران، چاپ اول، (۱۳۶۰ش).
- ۵۱- معزی، محمد کاظم، ترجمه قرآن، اسوه: قم، چاپ اول، (۱۳۷۲ش).



۵۲- معمر بن مثنی، أبو عبیده، مجاز القرآن، تحقیق: محمد فواد سزگین، قاهره: مكتبة الخانجي، (۱۳۸۱ق).

۵۳- مقاتل، أبو الحسن بن سليمان بن بشير الأزدي البلخي، تفسير مقاتل، تحقیق: عبدالله محمود شحاتة، ط ۱، بيروت، دار إحياء التراث، (۱۴۲۳ق).

۵۴- مكارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، دار الكتب الإسلامية: تهران، چاپ اول، (۱۳۷۴ش).

۵۵- مكارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، دار القرآن الكريم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی): قم، چاپ دوم، (۱۳۷۳ش).

۵۶- منّا، يعقوب اوجين، قاموس كلداني عربي، بيروت: منشورات مركز بابل، (۱۹۷۵م).

۵۷- ميدي، احمد بن محمد، كشف الأسرار و عادة الأبرار، به اهتمام علي اصغر حكمت، اميركبير: تهران، چاپ پنجم، (۱۳۷۱ش).

۵۸- نوبري، عبد المجيد صادق، ترجمه قرآن، تهران: اقبال، چاپ سوم، (۱۳۸۸ش).

۵۹- هلالی، حميدبن ثور، ديوان الشعراء، تحقیق: عبدالعزيز اليمني، القاهرة: الدار القومية للطباعة والنشر، (۱۳۸۴ق).

۶۰- الهی قمشه ای، مهدی، (۱۳۹۹ش)، ترجمه قرآن، آوای ماندگار: قم، چاپ اول، ۱۳۹۹ش.

61- Adel Theodor Khoury, *Der Koran: erschlossen und kommentiert von Düsseldorf, Patmos*, (2005).

62- Ahmadiyya Muslim Jamaat, *Der Heilige Qur'an*, Veröffentlicht, (2012).

63- Ahmed Muhammad and Samira, *The Koran, Complete Dictionary and Literal Translation*, Vancouver, Canada, (1994).

64- Ali, Abdullah Yusuf *The Holy Qur'an: English Translation & Commentary (With Arabic Text)*, (1st ed). Kashmiri Bazar, Lahore: Shaikh Muhammad Ashraf, (1934).

65- Amir M.A. Zaidan, *At-tafsir - Der Quraan-Text und seine Transkription und Übersetzung*, Islamologisches Institut, (2009).

66- Arthur John Arberry, *The Koran Interpreted*, Allen & Unwin, London, (1955).

67- Beeston, Alfred Felix Landon, *Arabic literature to the end of the Umayyad period*. Cambridge University Press, (1983).

68- Beston, A.F.L., & Ghul, M. A. *Sabaic Dictionary/ Dictionanaire*, (1982).

69- Denise Masson, *Le Coran, translation and notes*, Paris, Gallimard, (1967).

70- Dillmann, Augusti. (n.d). *Lexicon linguae aethiopiae*. Leipzig: T.o.weigel.

71- Holes, Clive, "Dialect, Culture, and Society in Eastern Arabia: Glossary" volume1, Brill, (2001).

72- Irving, T.B. (Al-Hajj Ta'lim Ali), *The Qur'an Translation and Commentary*, first edition, Amana Books, Brattleboro, Vermont, (1985).

73- Macuch, R. A, *mandaic dictionary*, Oxford university press, London, (1963).

- 74- Marcus. Jastrow, *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Babli and Yerushlami and the Midrashic Literature*, New York, (1903).
- 75- Miguel. Civil & Ignace J. Gelb, *The Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago*, Chicago, (1968).
- 76- Muhammad Hamidullah, *Le Saint Coran: traduction et commentaire*, paris, Le Club Français Du Livr, (1966).
- 77- Muhammad ibn Ahmad ibn Rassoul, *Al-Qur'ān al-Karīm. Die ungefähre Bedeutung in deutscher Sprache*. Köln, (1991).
- 78- Pickthall, Marmaduke, *The Meaning of the Glorious Koran, New Modern English Edition with brief explanatory notes and Index of subjects*, 7th Edition, Published by IDCI, (2011).
- 79- progressive Muslims, *The Message, A Translation of the Glorious Qur'an*, Brainbow Press, (2008).
- 80- Qarai, Ali, *The Qur'an: With a Phrase-by-Phrase English Translation*, 6th Edition, Independently published, (2019).
- 81- R. Payne Smith, *Thesaurus syriacus*, Vol.2 (Oxford: E Typographeo Claredoniano, (1901).
- 82- Rudi Paret, *Der Koran: Übersetzung von Rudi Paret (German Edition)*, Kohlhammer Verlag, 12th ed. Edition, (2014).
- 83- Sarwar, Shaykh Muhammad, *The Holy Qur'an: The Arabic Text and English Translation*, sixth edition, e-book, (2011).
- 84- Shakir, Muhammad Habib (2001), *The holy quran: arabic text and english translation*, Worldwide Organization For Islamic Services (WOFIS)
- 85- Wilhelm. Gesenius, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*. Boston: Houghton, Mifflin and Company, (1882).